



نامی هورامی پیه ی زاروله وه شه سیا کاما

کۆر	کناچئ	به فارسی	نامی	چن
پسر	دختر	به فارسی	نام	ردیف
		مادر - رایجا (نه دا) با دال گنگ - آن بڈل (کننده ی محبت) آن بخشنده (ی محبت) آن پاداش / آمده در اوستا بخش چهارم اوستا (ون دی داد) بدی + دید + داد / یا همان قاتون ضد دیوها ست / وه نامیت گیلۆ	ئادا	۱
			(وندیاد)	
		آن ، هدیه شده - عبادت	ئادریا	۲
		عبادتگاه - آن ، هدیه شده - مکانی برای خواندن اوستا / ک آیین زردشت ص ۲۰	ئادریان	۳
		راستی اور - راستگو - نام پسر ویشاسب	ئارتان	۴
		دانش اور - حرف برانگیز - در اوستا همراه راستی می آید	ئاردوان	۵
		قدرت اور - همراه شیر - اردشیر	ئارده شیر	۶
		امروزی - امروز - برای امروز	ئارق	۷
		کامروا و خوش شانس	ئاروتا	۸
		امروزی - بخشنده	ئارون	۹
		امروزی است - آنکه امروزی فکر می کند	ئارقینا	۱۰
		آن ، ازلی و ماندنی - آن پیوسته ، ماندگار - مکانی برای وجود	ئاران	۱۱
		هستی بخش باد - بوجود آور باد	ئاریق	۱۲
		هستی بخش - جانبخش	ئاریبی	۱۳
		حیات بخش - روح افزا - زندگی بخش - انرژی زا - نام هفتمین پادشاه ماد	ئارتین	۱۴
		آگاه بخش	ئارزان	۱۵
		پاک اور	ئارسا	۱۶
		پاکی گستر - پاکی اور	ئارسانه	۱۷

		ابهت بخش - ابهت آور	ثارسام	۱۸
		شایسته آور - در خور شایان - برازنده	ثارشیا	۱۹
		شایسته آور - در خور شایان - برازنده	ثارشیان	۲۰
		باتی رحمت - کوهی برف گیردر اورامان	ثاریز	۲۱
		قدرت بخش - عامل اتحاد	ثارکوق	۲۲
		قدرت بخش - عامل اتحاد	ثارکون	۲۳
		بخشنده - آور	ثارن	۲۴
		بخشنده - آورنده	ثارتا	۲۵
		دانش آور - معلم	ثاروان	۲۶
		روشنی بخش - آگاهی آور	ثاروین	۲۷
		آرزو - خواسته ای به تعجیل / نار + ه = خواستنی + زو = زود	ثاره زو	۲۸
		تک آور - نوآور - ابداع کننده	ثاریق	۲۹
		تک آور - نوآور - ابداع کننده	ثاریقون	۳۰
		آورده شده - بخشیده شده - هدیه - فرمانده ارتش کورش هخامنشی	ثاریا	۳۱
		آورده شده - بخشیده شده - هدیه شده / روستایی در هورامان	ثاریان	۳۲
		بخشنده	ثارین	۳۳
		بخشنده گر - سازنده - بوجود آور	ثارینا	۳۴
		بخشنده گر - سازنده	ثارینه	۳۵
		زرنگ - سریع	ثازا	۳۶
		زرنگ - سریع - آن آفرینش گر	ثازان	۳۷
		مجاز - معمول - برجسته - خالص شده - اصل تلفظ آسیا	ثازیا	۳۸
		آن ، پاک شده توسط آتش آتشکده	ثاسق	۳۹
		آن ، پاک شده توسط آتش آتشکده	ثاسقون	۴۰
		آن بی غل و غش - آن پاکیزه	ثاسا	۴۱
		شکست ناپذیر - محکم - آهنین - آن مجموعه ی مترامم و محکم / پیسه : قلوسن + ا = قلو سنا	ثاسنا	۴۲
		آن ، مردد - آن ، محتاط	ثاشکا	۴۳
		آن ، منسجم - آن ، قدرتمند	ثاکز	۴۴
		آن پخته - آن با تجربه	ثاگریا	۴۵
		طلا - جواهر	ثالتون	۴۶
		آن ، آرزو شده - آن گفتنی - آن درخواست - آرزو بدون تعجیل	ثاوات	۴۷
		آن فرود آمده - آن نازل شده - شهید	ثاواره	۴۸
		آفرینش هنگ / هه نگ + وین = زاده ی هه نگ - عسل (انگه بین) در فارسی باستان	هه نگ وین	
		عقل - تدبیر	ثاوه ز	۴۹
		ذاتاً پاک - پاک سرشت	ثاویسا	۵۰
		اوستا - آن ، از خود گرفته و (به دیگری داده) - از خود گذشتن برای دیگری / کتاب / کتاب مقدس اوستا	ثاویستا	۵۱
		آن ، خودسر - آن ، طغیانگر - آن ، خود جوش / چشمه ی آب خروشان در اورامان	ثاویسه ر	۵۲
		آن خود شایسته - آشکارا / بخش ۱۳ گات ها یه سنا / کتاب اوستا ، گرد آورنده : جلیل عباسی ص ۷۴	ثاویشیا	۵۳
		آب روان - صاحب آب - خدای آب / مخفف ناوویه ر / کوهی در سنج	ثاویه ر	۵۴
		آن ، نیک نفس	ثاهق	۵۵
		بلند مرتبه - بالاتر - نیک / برگرفته از اهورامزدا (ناهورامه زدا)	ثاهورا	۵۶

		آن ، یگانه ی ازلی - مکانی برای آنکه دگرگون گشته	ثایوران	۵۷
		تنها منزله و پاک	ثایوسا	۵۸
		یگانه - تنها	ثایون	۵۹
		آتش - خونگرم / آبیرو .	ثایرا	۶۰
		آتشی شعله ور و ماندگار - مکانی برای آتش / آبیروان .	ثایران	۶۱
		آتشی - آذر	ثایری	۶۲
		تند پا - دوده - از نامهای رایج ایران باستان	ثایرپا	۶۳
		مثل آتش شعله ور و پاک	ثایرنا	۶۴
		آتشین است - نام پسر فریدون	ثایریا	۶۵
		آتشین - نام پسر او پدرم در زمان داریوش	ثایرین	۶۶
		آتش دان - آتشکده - مکانی برای آتش	ثایرگا	۶۷
		دست آورد آتش - آتش ماندگار	ثایرمن	۶۸
		دانش آتش - معلم روحانی زردشتیان / ک آیین زردشت ص ۱۷	ثایروان	۶۹
		آذر / بخش ۴ گات ها یه سنا / هات ۳۴	ثایرم	۷۰
		بارز - هدف - مشخص - یک رو	ثایرمان	۷۱
		بارز - برجسته - یک هدف	ثایرمانا	۷۲
		بقا / بخش ۷ گات ها یه سنا / کتاب اوستا ، گرد آورنده : جلیل عباسی ص ۶۵	ثایرنا	۷۳
		خوشحال - خوشحال هستی / بخش ۳ گات ها یه سنا / کتاب اوستا، گرد آورنده : جلیل عباسی ص ۵۶	ثایرنا	۷۴
		جایگاه فرستاده ها - جایگاه موبدان - حکومت نیمه مستقل کردی ۱۱۶۹ میلادی / ناردلان	ثایرنا	۷۵
		آرام	ثایرنا	۷۶
		بخشنده - نامی رایج در زمان هخامنشیان	ثایرنا	۷۷
		رسیده - کامل / چشمه آب خروشان در اورامان	ثایرنا	۷۸
		بخشنده می باشد - بخشنده	ثایرنا	۷۹
		سرحال - پرنترزی	ثایرنا	۸۰
		دور اندیش - روشنفکر / پسر کوروش هخامنشی ۵۲۱ سال قبل از میلاد	ثایرنا	۸۱
		ثمره ی ابهت - از سرداران ساسانی	ثایرنا	۸۲
		نازنین	ثایرنا	۸۳
		علما' بیرواس (بیدرواز) اخذ و سرکوب اراده - تحمیل بی ارادگی - عادت به بی ارادگی / روستایی در اورامان	ثایرنا	۸۴
		گذشته ی پاک - پرهیزکار	ثایرنا	۸۵
		پرهیزکار - محتاط - آنکه در نگهداری بسیار کوشا است - قدر شناس	ثایرنا	۸۶
		مکانی با محدوده مشخص - مکانی با محدوده پاکی آور / پا سا آرگا / پاسا، آرگا = آتشکده نمونه	ثایرنا	۸۷
		آمیخته به قطرات ریز آب - لطیف - حساس	ثایرنا	۸۸
		آمیخته به قطرات ریز آب - بالطافت - با احساس	ثایرنا	۸۹
		قطرات ریز آب - از نامهای دختران ایران باستان	ثایرنا	۹۰
		قطرات ریز آب	ثایرنا	۹۱
		بغض گریه	ثایرنا	۹۲
		برازنده - از پهلوانان ایران باستان / مخفف پوری یا	ثایرنا	۹۳
		پوشیده - با حیا	ثایرنا	۹۴
		پونه - فراگیر	ثایرنا	۹۵
		پروانه	ثایرنا	۹۶

۹۵	په رسان	پرسشگر - کسی که بی گذار به آب نمی زند - کسی که می پرسد و می داند
۹۶	په ره سا	سوال - فراگیر - پاکي فراگیر / بخش ۱۴ گات ها به سنا / کتاب اوستا ، گرد آوردنده : جلیل عباسی ص ۷۵
۹۷	په رما	اعتماد - مورد اعتماد
۹۸	په رمین	معتد
۹۹	په ریسا	از آن پاکي - شایسته ی پاکي - گذشته ی پاک
۱۰۰	په ریسا	شایسته ی بزرگی
۱۰۱	په شیو	عاشق - آشفته
۱۰۲	په لکه	گیسوان
۱۰۳	په نا	پناه
۱۰۴	تارا	روسری عروس
۱۰۵	تنسه ر	اوج گیرنده - روحانی بزرگ زردشتی که اوستا گرد آوری کرد
۱۰۶	تیشکو	قدرت پاک - همراه خورشید
۱۰۷	تیشکا	شید - خط خورشید
۱۰۸	تینا	گرمای زندگی - جریان زندگی / تین + ۱
۱۰۹	جاران	فرصتهای بی دریغی و پیوسته ی گذشته - گذشته ها
۱۱۰	جایسان	جویای فرصت - کسی که فرصت را غنیمت شمرده - گدای فرصت
۱۱۱	جایسو	زمانی برای پاک شدن در آتش - فرصتی پاک - زمانی برای عبادت
۱۱۲	جایلا	مظهر وقت شناسی - مظهر فرصت - آنکه وقت را غنیمت شمرده
۱۱۳	جاینا	وقت شناس - کسی که فرصت را غنیمت می شمارد
۱۱۴	چنیا	برگزیده - منتخب
(چینوات)		
پل عبور مردگان در آیین زردشت - گفتن پستی و بلندی - بررسی و گفتن (چینه و که رگی) تشخیص خوب و بد		
۱۱۵	چنارا	نظم آور - مظهر نظم و ترتیب
۱۱۶	چنور	از گیاهان خوشبوی کوههای برف گیر اورامان
۱۱۷	چنیا	مرتب و منظم - برگزیده - بافته
۱۱۸	چیترا	آشکارا / بخش ۵ گات ها به سنا / هات ۳۴
۱۱۹	چیمه ن	دلیل هستی - دلیل ماندن - کلید بقا - کیمیا / چی مه ن
۱۲۰	داریو	تنها دارنده - از پادشاهان دوران سلوکیان
۱۲۱	دالاهو	عقاب بلند پرواز - عقاب نیک کردار - کوهی مرتفع در کرمانشاه
۱۲۲	دانیار	برترین هدیه - بهتر از بخشش
۱۲۳	داوه س	بخشنده - بخشش کافی / بخش ۷ گات ها به سنا / کتاب اوستا گرد آوردنده : جلیل عباسی ص ۵۲
۱۲۴	دریان	هدیه شده - مکانی برای بخشش
۱۲۵	دریگو	کردار بخشنده - دست و دل باز
۱۲۶	دریگوم	پاکان / گات ها ، آمده در یسنا
۱۲۷	دلبره ر	دلبر - دلربا - فریبنده
۱۲۸	دونیار	برترین سخنور - ناطق ترین - مشاور
۱۲۹	ده ئینا	وژدان / بخش ۲۰ گات ها به سنا / کتاب اوستا ، گرد آوردنده : جلیل عباسی ص ۷۸
۱۳۰	دیا	دقیق - نگاه
۱۳۱	دیان	دقیق - با دقت
۱۳۲	دیار	بارز - پدیدار
۱۳۳	دیارا	برجسته

		هدیه - کادو	دیاری	۱۳۴
		بینش بزرگ - ریز بین - موسس مادها و اولین پادشاه ماد	دیاکو	۱۳۵
		مظهر آگاهی - با بینش باز - روشن بین	دیلان	۱۳۶
		زیبا چهره - چهره - پهن روی	دیمه ن	۱۳۷
		ناز دیده - از نامهای رایج ایران باستان	دیناز	۱۳۸
		جلودار - مقاوم	رپابین	۱۳۹
		راه زندگی - از سرداران اردشیر دوم	راتین	۱۴۰
		گشایشگر - فرشته بخشش در ویندیداد	راتا	۱۴۱
		نیاز / بخش ۱۴ گات ها به سنا / هات ۳۳	راتام	۱۴۲
		نقاش - با تجربه - مکانی برای افسانه	رازان	۱۴۳
		راه پاک - درستکار - به بیراهه نرفتن / متضاد : " لاتیا " یعنی کج رو	راسا	۱۴۴
		راه بزرگ	رپاشا	۱۴۵
		برگزیده - بهترین گزینه - راه درست	رپاشیا	۱۴۶
		مدافع	رپاگیر	۱۴۷
		دامن پوشیده - پوشیده - با حیا	رپانکا	۱۴۸
		مدیر - با تدبیر	رپانبار	۱۴۹
		کسی که میانبر می رود	رپویار	۱۵۰
		با تجربه - آشنا به راه و چاه	رپوین	۱۵۱
		رهگذر - گذرا	رپویه ر	۱۵۲
		آرام بخش - دختر داریوش دوم	رپکسان	۱۵۳
		روشنی آور / روستایی واقع در اورامان / مخفف : رونار	رپوار	۱۵۴
		کامروا - خوش شانس	رپوتا	۱۵۵
		برتری روز - خورشید	رپوجیار	۱۵۶
		برگرفته ی روشنایی - زاده ی روشنایی	رپوچنا	۱۵۷
		اعطا کننده ی روشنایی و پاکی روز	رپودا	۱۵۸
		بینش پاک - پاک نظر - روشن بین	رپودیا	۱۵۹
		تولد پاک - وجود مقدس - تولد روشنایی ، برگرفته از / زارو با (ر) موکد / نوزاد / تولد نور	رپوزا	۱۶۰
		آفرینش پاک - پاک تولد یافته - مقدس گردیده - تولد روشنایی ، برگرفته از / زارو / نوزاد / تولد نور	رپوزان	۱۶۱
		پیدایش نور - تولد نور - ابتدای روز	رپوزیا	۱۶۲
		زندگی پاک - پاک زیسته	رپوزیا	۱۶۳
		روز پاک - روز آفتابی	رپوسا	۱۶۴
		وضوح	رپوشنا	۱۶۵
		دختر نور - دختر آفتاب - دختر پاک - مقدمه ی روشنایی	رپوکنا	۱۶۶
		محصول پاکی - محصول نور - همراه نور	رپوگنا	۱۶۷
		مظهر نور - مظهر روشنایی - مظهر غیر ظلمت	رپولا	۱۶۸
		فراتر از روشنایی روز	رپویار	۱۶۹
		آنکه به روشنایی روز آمیخته است - نورانی	رپوینا	۱۷۰
		آراسته - سورمه	رپه ژیا	۱۷۱
		راست و درست - خوش تیپ - در اوستا : پسر	رپیکا	۱۷۲
		غالب - چیره - نام پدر رستم	زال	۱۷۳

		دانش گران بها - آیینی قبل از زردشت در اورامان	زه روان	۱۷۴
		زه روان بیانی، زه روان بیانی نه ده وره ی وه رین زه روان بیانی نه هری و ورمز یاران دیانی کالائی خاس یار نه و ده م شیانی		
		گیسو وار	زولفا	۱۷۵
		تولد ازلی - پیدایش ماندگار - آفرینش ازلی	زاران	۱۷۶
		دانا - دانشمند	زاننا	۱۷۷
		مرکز دانایی	زانکق	۱۷۸
		برتری بر دانایی - داناترین	زانپار	۱۷۹
		قدیمی - دارای قدمت زیاد	زوپنا	۱۸۰
		در امتداد گذشته - پایبند به اجداد	زویران	۱۸۱
		غیر قابل سکونت در زمستان - کوه بر فگیر / کوهی در کردستان	زمناکو	۱۸۲
		الهه ی برکت - زردشت / کتاب هه نبتانه بورینه تالیف : ماموستا هه ژار	زه رده شت	۱۸۳
		طلوع کرد - پدیدار شد / مخفف زیبا	زیا	۱۸۴
		برخواستنه همراه خورشید - نام پدر مرداویج	زیار	۱۸۵
		عاقل	ژیبرا	۱۸۶
		بسیار عاقل - مرکز دانایی	ژیراکو	۱۸۷
		کامروا - زندگی آرام	ژیوا	۱۸۸
		آفرینش زندگی - تمدن - روستایی واقع در اورامان	ژیوار	۱۸۹
		خوشبخت - زندگانی	ژیوان	۱۹۰
		وجود پاک - پاک باد	سابق	۱۹۱
		قانع - سازگار	ساجیا	۱۹۲
		بینش پاک - دید بی غل و غش - پاک بین - پاک نظر	سادیا	۱۹۳
		پاک بین - روشنفکر	سادیان	۱۹۴
		خاص - بخشنده ی پاک / یه سنا ، هات ، ۳۴	سادرا	۱۹۵
		روز پاک - روز آفتابی	ساروق	۱۹۶
		روز پاک - روز آفتابی	سارون	۱۹۷
		مشخص - پاک آور / مخفف سا آر	سار	۱۹۸
		مفرح - مسطح - با صفا - واضح و مشخص - پاک آور است مخفف سا نار	سارا	۱۹۹
		پاکي مداوم و پی در پی - مکانی برای پاکي - مشخص	ساران	۲۰۰
		وضوح - یک رو	سارنا	۲۰۱
		وضوح - یک رو - پاکي آور	ساریا	۲۰۲
		پاک و منزله - پاکتر از آنچه در آتش پاک میشود - پاک و سوزناک	سایسوق	۲۰۳
		جویای پاکي - گدای پاکي - نام پدر بزرگ اردشیر بابکان	ساسان	۲۰۴
		دودمان پاک	ساشون	۲۰۵
		شاه پاک	ساشا	۲۰۶
		شایسته ی پاکي	ساشیا	۲۰۷
		مظهر پاکي - همراه پاکي	سالا	۲۰۸
		قدرتمند و پاک - مرکز پاکي - کوه فاقد گیاه	ساکوق	۲۰۹
		پاک شده	ساکریا	۲۱۰
		دختر پاک - دختر ساده - مقدمه ی پاک	ساکنا	۲۱۱

		پاک ماند	ساکه وت	۲۱۲
		ابهت - از خاندان گرشاسب	سام	۲۱۳
		با ابهت است - پاکى من	ساما	۲۱۴
		استقرار - آرامش - مکان با ابهت - نام بزرگ زاده بلخ	سامان	۲۱۵
		راه ابهت - راه بزرگ	سامرا	۲۱۶
		ابهت ماندگار	سامران	۲۱۷
		مظهر ابهت - باابهت - ابهت بزرگ	سامکز	۲۱۸
		مظهر ابهت - با ابهت	ساملا	۲۱۹
		با ابهت	سامنا	۲۲۰
		پاک و منزه برای همیشه	سامه ن	۲۲۱
		برتر از ابهت - از نامهای کهن زردشتی	سامیار	۲۲۲
		امیر پاک - امیر قدرتمند - با ابهت	سامیر	۲۲۳
		با ابهت	سامین	۲۲۴
		حق خواه - حق گیر - پاک است	سان	۲۲۵
		حق گیر - طالب	سانا	۲۲۶
		برتر از سان - برتر از پاکى - پاکترین	سانیار	۲۲۷
		آموزه ی پاک - دانش پاک - سیقل یافته	ساوان	۲۲۸
		نظر پاک - چشم پاک - بادقت - بی کینه	ساوین	۲۲۹
		پاک بین - چشم پاک - دقیق - عاری از کینه	ساوینا	۲۳۰
		چشمه ی پاک	سাহانه	۲۳۱
		پاک	سایا	۲۳۲
		برتر از پاکى - پاکترین	سایار	۲۳۳
		مکانی برای پاکى / سایانه = سایان + ه (= نشان تانیث)	سایان	۲۳۴
		پاکى پی در پی - پاکى پیوسته	سایران	۲۳۵
		پاک پاک - پاک و منزه	سایسا	۲۳۶
		پاک پاک - جویای پاکى - گدای پاکى	سایسان	۲۳۷
		مظهر پاکى	سایلا	۲۳۸
		مظهر پاکى	سایلان	۲۳۹
		آمیخته به پاکى	ساینا	۲۴۰
		پاکى مجدد - پاک پاک - تنها پاک شده	سایوه	۲۴۱
		تصمیم مسر و موکد	ستما	۲۴۲
		محکم و بهم پیوسته / سنان ، با تلفظ گنگ نون اول ، دردی که سر نیزه به همراه دارد (سر نیزه)	سنا	۲۴۳
		بسیار مستحکم و قوی	سناکز	۲۴۴
		گرانبها - با ارزش	سنیا	۲۴۵
		برتر از مجموعه ای منسجم و مستحکم - محکم ترین / پیسه : قلو+ سن = سن + یار	سنیاری	۲۴۶
		بی غل و غش - رنگ خزان - رنگرز	سوه یل	۲۴۷
		بی غل و غش - رنگ خزان - رنگرز شده - مظهر آنچه در آتش پاک شود	سوه یلا	۲۴۸
		مظهر پاکى - عاری از گناه - آنچه در آتش پاک می گردد	سوقچیا	۲۴۹
		اعطا کننده ی پاکى و سوز	سودا	۲۵۰
		نگاه سوز ناک - بینش پاک - بینش عمیق	سودیا	۲۵۱

۲۵۲	سوران	پاکی پی در پی / قومی از اکراد شرافتمند ، همجوار هورامیها / مثل : گوران - واران
	بوران	بو + ران = بو یعنی وجود و آمدن و ران یعنی پی در پی / آمدن پی در پی یا همان بوران = انرزی
۲۵۳	سوسار	سوزی پاک آور - سوزی قابل مشاهده - یکی از پادشاهان ماد / سوسارمس / مس = یاد
۲۵۴	سوسیا	تمایل به پاکی
۲۵۵	سوشیا	شایسته ی پاکی - مظهر پاکی و سوز - الهه ی نجات در آیین زردشت
۲۵۶	سوکنا	دختر پاک - دختر بامحبت - پاکی مقدم - آرامش مطلق
۲۵۷	سوزگ	نیکو کار
۲۵۸	سوزگا	مکانی برای پاک شدن در آتش
۲۵۹	سوزلا	مظهر پاک
۲۶۰	سوزلان	مظهر پاکی - بی غل و غش
۲۶۱	سوزما	نهایت پاکی - عماما' اشاره به سو و نور چشم / سوم بیه نو " سوم " + ا
۲۶۲	سوزمر	کسی که با مرگ پاک ، حیات را ترک می کند
۲۶۳	سوزمرا	کسی که با مرگ پاک ، حیات را ترک می کند
۲۶۴	سوزمه ی	حضور سوزناک - حضور پاک - سوز آور
۲۶۵	سوزمه یل	عشق سوزناک - عشق پاک - اراده ی پاک
۲۶۶	سوزنیار	برتر از پاکی - پاکترین - کسی که پاکی بر جای می گذارد
۲۶۷	سوزنیان	آرام و سوزنده - سوزنده - سوز آور - پاکی پس از سوز
۲۶۸	سوزنه	چشمه ی پاک و سوزناک
۲۶۹	سوزیران	پاک شده ی پیوسته و ازلی در آتش
۲۷۰	سوزیلا	مظهر پاکی
۲۷۱	سوزینا	آمیخته به آنچه در آتش پاک می شود - آمیخته به پاکی و سوز
۲۷۲	سه رکز	بلند پرواز - بر فراز کوه
۲۷۳	سه رکاو	گردشگاه مرتفع و جذاب آمیخته ای از سخره و دشت
۲۷۴	سه رکه وت	موفق - پیروز
۲۷۵	سه ما	رقص
۲۷۶	سه ید	اعطا کننده ی آرامش
۲۷۷	سه یران	تفریح - آرامش پیوسته
۲۷۸	سه یلا	همراه سایه - مظهر آرامش
۲۷۹	سه ینا	راحت - ریلکس / پیسه : سه بو یانی : استراحت کن / سه ی + نا / پیسه : بورنا
۲۸۰	سه یوان	زیده - خواندن به آرامی - سایه - کوهی در ایلام
۲۸۱	سیروان	رودی خروشان در منطقه ی اورامان تخت
۲۸۲	سیروان	دانشمند - گردشگر
۲۸۳	سیا	خواست - انگیزه - اراده / پیسه : وه شه سیا
۲۸۴	سیا مه ک	خواهان نمک و مزه - دوستدار سر خوشی - نام پسر کیومرث
۲۸۵	سیا کا	تمام اراده ها - همه ی انگیزه ها
۲۸۶	سیاوه ش	گندمی و بامزه - گندمی و زیبا - تمایل به خوشی و شادی - نام پسر کیکاوس
۲۸۷	سیمیا	گرانبها - با ارزش
۲۸۸	سیمیار	الهه ی برکت - زرتشت در نگاه پیرشالیار هورامان
۲۸۹	شاران	شاه مداوم و پایدار - مکانی برای تمدن
۲۹۰	شارق	نهان - بازیابی در نهانها - بازیابی مجدد در جمع آوری گردو در اورامان

	نهان - بازیابی در نهانها - بازیابی مجدد در جمع آوری گردو در اورامان	شارون	۲۹۱
	پنهان - نهان	شاریا	۲۹۲
	همراه شاه - برتر از شاه - برگرفته از پیر شالیار مرقد مقدس در اورامان تخت	شالیار	۲۹۳
	سر چشمه	شاهانه	۲۹۴
	ملکه ی زنبور عسل	شاهه نگ	۲۹۵
	نهایت ارتفاع - نهایت برازندگی - کوهی برف گیر در اورامان	شاهق	۲۹۶
	شاهق مه گره و قی ثاته ژگا ماته ن ویمیر به ته مای شنیای بالآته ن		
	نهایت ارتفاع - نهایت برازندگی	شاهون	۲۹۷
	برتر از شاه	شایار	۲۹۸
	سوز بیش از حد	شرا	۲۹۹
	گرما آور - آمدن سوز بیش از حد / مخفف شرآم مثل : هورام / کوهی برفگیر در اورامان/احتمال وجود آتشکده	شرام	۳۰۰
	شعله	شولّه	۳۰۱
	نسیم	شنه	۳۰۲
	آب خروشان رودخانه	شه تاو	۳۰۳
	با حجب و حیا	شه رمین	۳۰۴
	باد صبا	شه مال	۳۰۵
	پایان آتش - برگرفته از کتاب (هاوار وو هاواریه کی) نوشته : رمضان کوساری ، کاکه ای	شه مشی	۳۰۶
	گل شبیو	شه وبق	۳۰۷
	آرامش شبانگاه - در امتداد شبی آرام	شه وگار	۳۰۸
	شبیم	شه ونم	۳۰۹
	شایسته	شیا	۳۱۰
	شایسته	شیان	۳۱۱
	شایسته ی قدرت - مظهر شایستگی	شیاکو	۳۱۲
	قدرتمند	شیرکو	۳۱۳
	اراده ای برای رفتن - تمایل به نمادند و رفتن / شی سیا	شیسیا	۳۱۴
	آرام	شیننه	۳۱۵
	شمالی - کردار / شیوه تنه / بخش ۲۲ گات ها یه سنا / کتاب اوستا ، گرد آوردنده : جلیل عباسی ص ۷۹	شیوه	۳۱۶
	سرآمد - خاطره	شیما	۳۱۷
	جو گندمی و زیبا / زیباترین رنگ برای زیباترین لباس اصیل هورامی	شینکا	۳۱۸
	داد	فریا	۳۱۹
	دادرس - از شاهان ایران باستان	فریان	۳۲۰
	پاکی فراوان - سوال / بخش ۱۳ گات ها یه سنا / کتاب اوستا ، گرد آوردنده : جلیل عباسی ص ۷۴	فره سا	۳۲۱
	کوه مرتفع آمیخته از صخره و دشت - تفرجگاه مرتفع - نام آهنگری در ایران باستان	کاوه	۳۲۲
	گردشگر - آنکه در کوههای مفرح می رود / کاو و یار .	کاویار	۳۲۳
	دید باز - روشنفکر - منطقی	کریدی	۳۲۴
	دید باز - روشنفکر - منطقی	کریدیا	۳۲۵
	پاکی فراگیر	کرپسا	۳۲۶
	دارنده پاکی فراگیر	کرپسان	۳۲۷
	شاه منطقی - شاهی با افکار باز و دمکراسی	کریشا	۳۲۸
	منطقی - کسی که فکر باز دارد	کرینا	۳۲۹

		دختر پاک - مقدمه ی پاک - شروعی پاک	کناسا	۳۳۰
		دختر آتشکده - مقدمه ای برای آتش (کنا آ بیر)	کنایتر	۳۳۱
		سراغاز - مقدمه چینی	کنووکز	۳۳۲
		بینش بزرگ - بینش پیچیده	کودیا	۳۳۳
		جویای قدرت	کوسان	۳۳۴
		کوشنده - تلاشگر	کوشیا	۳۳۵
		بسیار کوشنده - یکی از سرداران تبری	کوشیار	۳۳۶
		کوهسار	کویسان	۳۳۷
		کوروش هخامنشی - منش بزرگ - کردار بزرگ	کوروش	۳۳۸
		قدرتمند و عاقل - مرکز دانایی	کوزیر	۳۳۹
		کوهسار - کوه مشخص و با دید باز	کوسار	۳۴۰
		آموزش همگانی / اصل کلمه کومسای / آخرین مراسم پیرشالیار در اورامان	کومسا	۳۴۱
		کیمنه / دیر پا - آنچه دیر به نتیجه می رسد / روستایی در اورامان ، زادگاه بلبل هورامان ، عوسمان هورامی	که ی مینه	
		درخواست / آمده در گات ها ی یه سنا در اوستا	کیا	۳۴۲
		فرستاده	کیانا	۳۴۳
		سر تاسر - سازنده سازندگان - نامی از نامهای خدا در اوستا	گراگر	۳۴۴
		استوار - همه پاک هستند (مخفف گرد سا)	گرسا	۳۴۵
		مرکز پختگی - کاملاً پخته	گریکو	۳۴۶
		کردار سنجیده - حرکت پخته	گریگو	۳۴۷
		مظهر پختگی - مظهر تجربه	گریلا	۳۴۸
		عهد - پیمان	گریمان	۳۴۹
		با تجربه - آمیخته به پختگی - پخته	گرینا	۳۵۰
		مرتب	گلیر	۳۵۱
		نگار	گلپنه	۳۵۲
		ناطق - نطق پی در پی - حرکت مداوم و پیوسته - قومی از اکراد (اورامی) - گورانی = آوازی برای اورامان	گوران	۳۵۳
		کامل	گوزیا	۳۵۴
		مظهر تلاش	گولا	۳۵۵
		گونه	گونا	۳۵۶
		روشن - فروزان	گیسیا	۳۵۷
		شعله ور	گیسیان	۳۵۸
		مظهر بینش - بهترین دید - بابینش - روشنفکر - نیم نگاه	لادیا	۳۵۹
		همانند - پاک - مظهر پاک	لاسا	۳۶۰
		مظهر انسجام و استحکام / پیسه : قلو سنا پیسه : ناسنا پیسه : یوسنا	لاسنا	۳۶۱
		مظهر شاه آور - مخفف لا شا آر - یکی از روستاهای شهرستان ابرانشهر	لاشار	۳۶۲
		امانتدار - مظهر ایستادگی	لانیار	۳۶۳
		نوازش	لاونا	۳۶۴
		مورد محبت قرار گرفته	لاویا	۳۶۵
		مظهر روشن بینی - مظهر دقت - نوازشگر	لاوین	۳۶۶
		مظهر نیکی - باشرافت	لامو	۳۶۷
		مظهر نیکی - باشرافت	لاهنون	۳۶۸

		مظهر پستی و بلندی - آنکه سختی روزگار را چشیده - از پادشاهان ایران باستان	لاچین	۳۶۹
		قستمی از لباس زنان هورامان ، بر دوش - دستمالی سه گوش	له چه ک	۳۷۰
		باشرف و نیک کردار - ساکنین ۴/۱ غرب منطقه ی هورامان	لهون	۳۷۱
		کامروا	لیویا	۳۷۲
		نیلوفر	له ولاو	۳۷۳
		کوه مرتفع - منسجم و قوی	ماکز	۳۷۴
		کوه مرتفع - منسجم و قوی	ماکون	۳۷۵
		بلند مرتبه - اعلاترین -مرتفع ترین کوه	ماکوان	۳۷۶
		ماکوان چریش گرد کوا به بدئ شاهقشاش مه رده ن سه ر وه نه ش ده بدئ		
		اعلا شدن روز افزون - ترقی پیوسته	مایران	۳۷۷
		پاک بی نظیر	مایسا	۳۷۸
		کوه مرتفع - منسجم و قوی است	مایکو	۳۷۹
		کوه مرتفع - منسجم و قوی است	مایکوا	۳۸۰
		مظهر ارتفاع - مظهر بزرگی - همراه بزرگی	مایلا	۳۸۱
		پاک رو	ملیسا	۳۸۲
		شایسته - اسم اولین مرد در کتاب اوستا	مه شیا	۳۸۳
		بهترین / برخواسته / بخش ۱۶ گات ها یه سنا / از مجموعه ی اوستا	مه زیق	۳۸۴
		با نمک - با مزه	مه کین	۳۸۵
		متفکر- خواست / بخش ۱۹ گات ها یه سنا / از مجموعه ی اوستا	مه نتا	۳۸۶
		فنا ناپذیر	مه نیا	۳۸۷
		پاک ماندن - پاک برای همیشه	مه نیسا	۳۸۸
		من - منیت / از گات ها ، یه سنا در اوستا	مه هیا	۳۸۹
		حرکت پاک - حضور پاک - قدوم پاک	مه یسا	۳۹۰
		عاشق - مظهر پیدایش	مه یلا	۳۹۱
		میعاد گاه عاشقان - فرهنگ لغت اورامی تالیف محقق زبان اورامی : فاتح رحیمی	مه یلان	۳۹۲
		امیر	میرا	۳۹۳
		نبیند پسر - دختر مومنه در آیین زردشت / ناد ی ریکا	نادیریکا	۳۹۴
		فرستاده	ناریا	۳۹۵
		باتاز و کرشمه - نازنین	نازین	۳۹۶
		ظریف و با احساس	ناسکه	۳۹۷
		نهایت گریه - گریه ی عاطفی	نسکیا	۳۹۸
		سایه در کوهستان	نसार	۳۹۹
		سایه	نسارا	۴۰۰
		پر نقش و نگار - زیبا	نه خشین	۴۰۱
		ملایم - با احساس - حساس - نرم و لطیف	نه رمین	۴۰۲
		رها - نازک - ملایم	نیان	۴۰۳
		گفتی - آنچه آرزو می شود - خواسته - آرزو - ایزد آب در اوستا	واته	۴۰۴
		بارید - نازل شد	وارا	۴۰۵
		باران - در امتداد باد (باران) / وا + ران = وای یعنی باد و ران یعنی در امتداد / آنچه پس از باد می آید	واران	۴۰۶
		رحمت - نازل شده - باریده شده	واریا	۴۰۷

	حضور در همه جا - مجموعه ای مستحکم و پراکنده	واستا	۴۰۸
	دانش - علم	وانا	۴۰۹
	دانش سخت - مرکز دانش	واناکو	۴۱۰
	دانش - آگاهی - خواننده شده	وانیا	۴۱۱
	برتری بر دانش - دانشجو	وانیار	۴۱۲
	خواننده شده - شفاف	وانیان	۴۱۳
	ریز بین / مخفف ورد دیا	وردیا	۴۱۴
	زرق و برق - جذاب	وریشه	۴۱۵
	مواظب - محتاط	وریا	۴۱۶
	آراسته / وناران = آرایشگاه	ونارا	۴۱۷
	طلوع خورشید - برخاستن خورشید - شرق - آمدن خورشید	وه راما	۴۱۸
	چشم پاک - بادقت - نگاه آفتابی - نگاه پاک - دید باز	وه ردیا	۴۱۹
	آفتاب طلوع کرد - طلوع آفتاب - ورزیده - آفتابی	وه رزیا	۴۲۰
	همگام با خورشید - آنکه ، همراه خورشید کار می کند - کشاورز	وه رزیه ر	۴۲۱
	جلودار - پیش قراول - طلوع آفتاب	وه رکه وت	۴۲۲
	آفتاب - تابشی فراگیر	وه ره تاو	۴۲۳
	تابشی فراگیر - روشنگر	وه رتاو	۴۲۴
	خورشید پاک و درخشان	وه ره سا	۴۲۵
	بهار	وه هار	۴۲۶
	خوش گذران	ویارا	۴۲۷
	از خود گذشته - / از اسامی موجود در اوستا	ویدا	۴۲۸
	خود بین - آنکه خود را فراموش نمی کند - آنکه به خود متکی است	ویدیا	۴۲۹
	بخشنده - فدایی - خود سپارده	ویسپار	۴۳۰
	ذاتا پاک	ویسا	۴۳۱
	از خود گذشته	ویستا	۴۳۲
	خیلی محتاط	ویشکا	۴۳۳
	شایسته ترین - شبیه به خود - شایسته ی خود - تنها لایق و شایسته	ویتشیا	۴۳۴
	باخود ماندن - با خود بودن - همراه تنهایی - متکی به خود	ویلا	۴۳۵
	خاطر - یادآور - خودکامه	وینا	۴۳۶
	به خود رفته - گمراه نشده - آنکه گذشته ی خود را فراموش نمی کند / متضاد : ویج نه ناس آمده در اوستا	ویناس	۴۳۷
	بادقت - با بینش - نگاه - بینا	وینا	۴۳۸
	پدیدار	وینیا	۴۳۹
	برتری بر دقت - دقیق ترین - برترین بینش	وینیار	۴۴۰
	پدیدار شده	وینیان	۴۴۱
	از خود گرفتن ، به دیگری بخشیدن	ویستا	۴۴۲
	بخش سوم اوستا (وی سپرد) خود سپارده (خود گردان) یا همان آداب تشریفات .	(ویسپرد)	
	آگاهی دهنده - نگار - نظر / وین نار	وینار	۴۴۳
	ثانی به وینار خاک که را کیمیا کریق لا چه میچ په ی نیمه بدیا		
	عاشق - دیوانه - سرگردان - سنگ زیر آسیاب ، کنایه از سخت کوشی در عشق	هاره	۴۴۴
	صدای آب خروشان رودخانه	هازه	۴۴۵

		بیداری - هوشیاری - هواس	هاگا	۴۴۶
		پناه	هانا	۴۴۷
		پناه من	هانام	۴۴۸
		سرچشمه	هاناو	۴۴۹
		چشمه	هاناه	۴۵۰
		سرچشمه ی دانایی	هانان وان	۴۵۱
		تشویق - انگیزه	هانی	۴۵۲
		برانگیخته شده - مبعوث - تشویق با اوست	هانیا	۴۵۳
		بهترین مشوق - بیدارترین	هانیار	۴۵۴
		هوشیارترین - تنها هوشیار (های یو)	هایق	۴۵۵
		بیدار - آگاه / کتاب هه نپانه بورینه تالیف : ماموستا هه ژار	هایا	۴۵۶
		هوشیارترین - مظهر بیداری (هاییار)	هایار	۴۵۷
		بیدار باد - آگاه باد - بیدار کننده	هایبق	۴۵۸
		آگاه باش - بیدار باش	هایتا	۴۵۹
		بیداری ازلی و پیوسته	هایران	۴۶۰
		اعطا کننده ی بیداری - اعطا کننده ی هوشیاری	هایدا	۴۶۱
		اعطا کننده ی بیداری - اعطا کننده ی هوشیاری	هایده	۴۶۲
		نگاه بیدارانه - دید آگاهانه - روشنفکر	هایدی	۴۶۳
		بیدار و پاک - بیداری آگاهانه	هایسا	۴۶۴
		جویای بیداری - طلب هوشیاری	هایسان	۴۶۵
		بیداری و هوشیاری پایدار و مستحکم / پیسه : قلو سنا ، ناسنا ، یوسنا ، سنان	هایسنا	۴۶۶
		محتاط - حرکت آگاهانه	هایشی	۴۶۷
		شایسته ی هوشیاری - بیدارترین	هایشیا	۴۶۸
		مظهر بیداری	هایلا	۴۶۹
		امیر هوشیار و بیدار	هایمیرا	۴۷۰
		بیدار- هوشیار - آمیخته به هوشیاری و بیداری	هاینا	۴۷۱
		شمار کننده ثواب و گناه در اوستا - از نامهای خدا در اوستا	همارنا	۴۷۲
		تن پاک	هؤته ن	۴۷۳
		گیاهی شفا دهنده درآیین و مراسم زردشت و حالاً در اورامان / ک آیین زردشت ص ۱۳-۱	هؤما (هؤم)	۴۷۴
		مه لهه م با لام گنگ = مه لهوم (مالیدن هوم) - مرهم		
		اعطا کننده ی نیکی	هؤدا	۴۷۵
		فریاد بارز- از نامهای رایج ایران باستان	هؤداد	۴۷۶
		نیک - اعلا - بارز / برگرفته از اهورا مزدا	هؤرا	۴۷۷
		نیک و اعلا ماندن پی در پی و ازلی / هور ران	هؤران	۴۷۸
		نمونه - بارز - نیک شده	هؤرام	۴۷۹
		اعلا - برجسته - پیدایش نیک - نیک گردید	هؤراما	۴۸۰
		پیدایش نیک - اورامان با رسم الخط فارسی / هور = نیک و اعلا و نامان = پیدایش	هؤرامان	۴۸۱
		بارز - نیک - نیک سرشت	هؤرامین	۴۸۲
		وارسته - بینش اعلا - بینش نیک - بلند نظر	هؤردیا	۴۸۳
		زاینده ی نیکی - برخوردار	هؤرزا	۴۸۴

	بلند پایه	هۆرژیا	۴۸۵
	جویای نیکی - جستجو گر	هۆرسان	۴۸۶
	سعود گر - سعود کننده	هۆرشه	۴۸۷
	والا - بلند مرتبه - شایسته ی برتری - شایسته ترین	هۆرشیا	۴۸۸
	پندار نیک	هۆرمت	۴۸۹
	گفتار نیک - سخن نیک	هۆروات	۴۹۰
	نیک - اعلا - بارز	هۆری	۴۹۱
	بلند مرتبه	هۆریا	۴۹۲
	تولد نیک - پیدایش نیک	هۆزا	۴۹۳
	نیک سرشت - فرهنگ لغت اورامی تالیف محقق زبان اورامی: فاتح رحیمی	هۆزان	۴۹۴
	حرکت نیک - کردار نیک - (هۆرگۆ)	هۆگۆ	۴۹۵
	حرکت نیک - کردار نیک - (هۆرگۆن)	هۆگۆن	۴۹۶
	جویای نیک - گدای نیکی	هۆگیز	۴۹۷
	تنها شفا دهنده - تنها کیمیا - تنها تابناک - تنها بلند مرتبه	هۆمایۆن	۴۹۸
	برترین - مظهر نیک و بارز	هۆمایلا	۴۹۹
	اندیشه ی نیک	هۆمت	۵۰۰
	کسی که در راه نیکی با حیات وداع می کند	هۆمر	۵۰۱
	نیک بودن ازلی - منش نیک	هۆمه ن	۵۰۲
	منش نیک - نیک ماندن - ک آیین زردشت ص ۸ تالیف بهمنی	هۆمه نه	۵۰۳
	بلند پرواز	هۆمه یل	۵۰۴
	بلند پرواز است - مظهر پیدایش نیک	هۆمه یلا	۵۰۵
	نیک سرشت	هۆینا	۵۰۶
	شکوفه	هه رالّه	۵۰۷
	ستاره	هه ساره	۵۰۸
	سیاره - فرهنگ لغت اورامی نوشته محقق زبان اورامی: فاتح رحیمی	هه سیّره	۵۰۹
	وجود - هستی - زنده - موجود	هه نا	۵۱۰
	هستی بخش - انار / فرهنگ لغت اورامی تالیف محقق زبان اورامی: فاتح رحیمی	هه نار	۵۱۱
	باغ انار - هستی بخش - انار	هه نارا	۵۱۲
	نفس - حیات - عامل حیات	هه ناسه	۵۱۳
	اعطا کننده ی وجود ، هستی - هستی بخش	هه ندا	۵۱۴
	وجود پاک / هه ن سا	هه نسا	۵۱۵
	پاک است - پاکی حتمی	هه نه سا	۵۱۶
	بوجود آورنده - تمایل به زنده ماندن	هه نه سیا	۵۱۷
	امیر پایدار - فنا ناپذیر	هه نمیرا	۵۱۸
	فنا ناپذیر - موجود	هه نیا	۵۱۹
	فراتر از وجود - فراتر از هستی	هه نیار	۵۲۰
	وجود لطیف (هه ن نیان)	هه نیان	۵۲۱
	وجود ی پاک - پاک ماندن - پاک هستی	هه نیسا	۵۲۲
	کوچ دو جانشینی اکراد به کوهها در بهار و تابستان	هه وار	۵۲۳
	امید - آرزو	هیوا	۵۲۴

		غالب - برتر - چیره	یاران	۵۲۵
		برتری پاکی - پاکترین	یاره سا	۵۲۶
		بسیار منسجم و مستحکم	یاره سنا	۵۲۷
		جویای برتری - جویای حق - برتر از پاکی / آیین کهن یارسان در کرمانشاه	یاره سان	۵۲۸
		دید برتر - بهترین بینش	یاره وین	۵۲۹
		دگرگون - تغییر یافته	یؤرا	۵۳۰
		یگانه ی مادنی - یگانه ی ازلی - مکانی برای دگرگونی	یؤران	۵۳۱
		دگرگون - تغییر یافته - آمیخته به دگرگونی	یؤرنا	۵۳۲
		یک مجموعه ی بهم پیوسته و محکم / پیسه : ناسنا ، قلو سنا ، سنان با تلفظ گنگ نون اول	یؤسنا	۵۳۳
		تنها شایسته - شایسته ترین	یؤشیا	۵۳۴
		در امتداد تنهایی و سکوت	یؤگار	۵۳۵
		مظهر یکی بودن - اولین همراه - تاک و تنها	یؤلا	۵۳۶
		مظهر یکی بودن - مظهر اتحاد	یؤلان	۵۳۷
		تنها دانش - دانش تک / مخفف یووان	یوان	۵۳۸
		یگانه - یگانگی	یؤینا	۵۳۹
		یسنا - سنایش - بخشی از کتاب مقدس اوستا	یه سنا	۵۴۰

ته وپه پ

<http://waran-war0.blogfa.com>

www.kordawari.blogfa.com

